

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۸/۱۶

کبیر عبادی

خیانت و چپاول قدرت‌مندان آن زمان؛ زخمی که هنوز بر پیکر افغانستان مانده است



کبیر عبادی

«کفر چو از مکه خیزد، کجا ماند مسلمان؟»

یکی از تلخ‌ترین پرسش‌های تاریخ معاصر افغانستان این است که چرا کسانی که در بالاترین سطوح قدرت قرار داشتند، در برابر اتهام‌های سنگین مالی و فساد، کمتر پاسخ‌گو شدند؛ در حالی که مردم عادی برای لقمه نان و زنده ماندن با فقر و ناامنی دست‌وپنجه نرم می‌کردند.

در اکتبر ۲۰۰۹، موضوعی درباره احمد ضیا مسعود، معاون اول وقت ریاست‌جمهوری افغانستان، در رسانه‌ها و اسناد دیپلماتیک امریکا مطرح شد. بر اساس یک گزارش دیپلماتیک که سال‌ها بعد در جریان افشای اسناد ویکی‌لیکس منتشر شد، مقام‌های امارات متحده عربی هنگام ورود او به دبی با موضوع حدود ۵۲ میلیون دالر پول نقد مواجه شدند. این گزارش ادعا می‌کرد که درباره منشأ و مقصد این پول پرسش‌هایی مطرح شده بود.

مسعود این ادعا را رد کرد و حامد کرزی نیز نسبت به روایت مطرح‌شده واکنش نشان داد. بنابراین، باید میان گزارش و ادعا از یک‌سو و اثبات قضایی جرم از سوی دیگر تفاوت گذاشت. تا جایی که اسناد عمومی نشان می‌دهد، این ماجرا به یک حکم قضایی عمومی که منشأ آن ۵۲ میلیون دالر را ثابت کند، منجر نشد.

اما پرسش بزرگ‌تر همچنان پابرجاست:

اگر یک مقام بلندپایه بتواند با چنین اتهام سنگینی روبه‌رو شود و سرنوشت این پرونده برای مردم روشن نشود، پس پاسخ‌گویی در برابر ملت کجاست؟

افغانستان سال‌ها شاهد جنگ، فقر، مهاجرت و قربانی شدن مردم عادی بوده است. هزاران خانواده عزیزان‌شان را از دست دادند، کودکان از آموزش محروم شدند و میلیون‌ها انسان با فقر زندگی کردند؛ در حالی که هم‌زمان، اتهام‌های کلان فساد و ثروت‌اندوزی در میان بخشی از نخبگان سیاسی مطرح می‌شد.

درنهایت از خود ثروت‌اندوزی، نبود شفافیت و حساب‌دهی است.

اگر کسی بی‌گناه است، باید فرصت دفاع و توضیح داشته باشد. اگر جرمی رخ داده، باید تحقیقات مستقل و عدالت قضایی حقیقت را روشن کند. آنچه برای یک ملت فاجعه‌بار است، این است که پرونده‌های بزرگ در فضای ابهام باقی بمانند و مردم هیچ‌گاه ندانند حقیقت چه بوده است.

قدرت، اگر با مسئولیت و عدالت همراه نباشد، می‌تواند به ابزاری برای چپاول تبدیل شود.

امروز که به گذشته نگاه می‌کنیم، نباید تنها نام یک فرد یا یک حکومت را هدف قرار دهیم. باید از خود بپرسیم:

چه سیستمی اجازه داد که قدرت‌مندان از حساب‌دهی فرار کنند؟ چه کسی باید پاسخ‌گو می‌بود؟ و چرا حق مردم برای دانستن حقیقت نادیده گرفته شد؟

این نوشته حکم محکومیت هیچ فردی نیست؛ بلکه پرسشی است درباره عدالت، شفافیت و حق مردم افغانستان برای دانستن حقیقت.

زیرا ملتی که حقیقت گذشته خود را بررسی نکند، ممکن است همان اشتباهات را دوباره تجربه کند.

امروز بیش از هر زمان دیگر، افغانستان به عدالت، شفافیت و پاسخ‌گویی نیاز دارد؛ نه به مصونیت قدرت‌مندان.

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ